



# Study of National Security Significance From View of Political Geography

Wahdat Wahidi

Department of Geography, Education Faculty, Baghlan University, Afghanistan.

Corresponding Author: Wahdat Wahidi, E-mail: [wahdatwahidi123@gmail.com](mailto:wahdatwahidi123@gmail.com)

---

## Article Info

**Article Type:**  
Review Article

## ArticleHistory:

**Received:** 17,  
April, 2023

**Revised:** 21, May,  
2023

**Accepted:** 14,  
June, 2023

**Published:** 23, July,  
2024

---

## ABSTRACT

The security and survival of the countries in the present era depends on two important and fundamental factors of its natural borders and its geographical political borders, and addressing them has a special importance and position. The purpose of this article is to know the concepts and issues related to the national security of countries with regard to political geography and the effect of these two important issues on each other. The research method in this work is a qualitative method, where information has been collected using a library method and analyzed descriptively. The findings of this article show that government have always been trying to build their state and national identity by finding commonalities between the cultures of different regions of their land. In this period geopolitics had key role for political united to bring peace, solidarity and security. Although, globalization effected positively on development of the countries but countries and nations concerning regarding the negative results of the globalization was useless, In views of Hard shorn and Jan Gad man, countries are tried to use from geopolitics for solidarity and their security and deduct their concerning that they have regarding the globalization.

**Keywords:** Geopolitics, Government, National Security and Globalization.

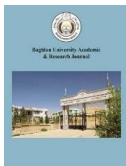
---

To cite this article: Wahidi, W. : 2024. Study of National Security Significance from View of Political Geography. Baghlan University Academic Research Journal, Vol. 12, Issue. 1, Serial No. 34 - Spring – Summer (2024), 93-102.

License: RCTD – GNJR – 0018 - 23.

Publisher: University of Baghlan

---



## بررسی مفهوم امنیت ملی از دید جغرافیای سیاسی

### پوهنمل وحدت واحدی

عضو کادر علمی دیپارتمنت جغرافیه پوهنځی تعلیم و تربیه پوهنتون بغلان.

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله مروری	امنیت و بقای کشورها در عصر کنونی بر دو عامل مهم و اساس مرزهای طبیعی و مرزهای جغرافیایی سیاسی آن وابسته بوده و پرداختن به آن از اهمیت و جای گاه ویژه برخوردار می باشد. هدف این مقاله شناخت مفاهیم و موضوعات مرتبط به امنیت ملی کشورها با توجه به جغرافیایی سیاسی و تأثیر این دو موضوع مهم بر یکدیگر آن است. روش تحقیق در این اثر، روش کیفی است که اطلاعات با رویکرد کتابخانه ای جمع آوری و به گونه ای توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته های این مقاله نشان می دهد، که حکومت ها همواره در تلاش بوده اند تا با یافتن وجوه مشترک میان فرهنگ های نواحی مختلف سرزمین خود، دولت و هویت ملی خویش را استوار بدارند. از جمله عناصر جغرافیای سیاسی که در این زمینه جایگاه برجسته ای دارد و توانایی ایجاد وحدت سیاسی را در یک سرزمین فاقد هرگونه وحدت طبیعی و انسانی و همچنین نقش چشمگیری در هویت سازی، همبستگی و امنیت ملی دارد.
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ هـ ش	
<b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ هـ ش	
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ هـ ش	
<b>تاریخ انتشار:</b> ۱۴۰۳/۰۵/۲۲ هـ ش	

**واژه های کلیدی:** جغرافیای سیاسی، دولت، امنیت ملی، جهانی شدن،

استناد: واحدی، وحدت، (۱۴۰۳)، بررسی مفهوم امنیت ملی از دید جغرافیای سیاسی، مجله علمی-تحقیقی پوهنتون بغلان، شماره ۱، بهار و تابستان (۱۴۰۳)، شماره مسلسل ۳۴، دور ۱۲، (۹۳-۱۰۲).  
ناشر: پوهنتون بغلان.

## مقدمه

این مقاله علمی تحت عنوان بررسی مفهوم امنیت ملی از دید جغرافیای سیاسی انجام شده، که ضمن اهمیت علمی، دارای اهمیت کاربردی نیز است. هدف از نگارش این مقاله، ضمن بررسی روابط جغرافیا با سیاست و پدیده‌های ناشی از تأثیر این دو بر یکدیگر، همچنان نیز دو رویکرد اصلی همگرایی و واگرایی در جغرافیای سیاسی و تأثیرات آن بر امنیت ملی به بررسی گرفته شده است. تاجای که نگارنده اطلاع دارد، تا کنون در مورد چنین عنوانی تحقیق بنیادی صورت نگرفته است. البته عده‌ی در برخی منابع مختلف مربوط به عنوان فوق‌الذکر چنین ابراز نظر نموده‌اند. مراد، کاویانی راد (۱۳۹۴) در مقاله پژوهشی تحت عنوان "امنیت ملی و جغرافیای سیاسی" بیان نموده است که امنیت ملی، توان دولت‌ها برای حفظ هویت مستقل و تمامیت کاربردی در جمعیت، سرزمین و دارایی آنهاست و جغرافیای سیاسی نیز یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی است.

شگویی، حسین (۱۳۷۵) در کتاب تحت عنوان "اندیشه‌های نو در جغرافیا" بیان داشته که امروزه شاهد طرح مسأله امنیت ملی از منظرهای متفاوت می‌باشیم، به گونه‌ی که در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان آن‌ها را به دو دسته عمده تقسیم کرد: کتبی که در آنها مباحث نظری امنیت ملی بررسی شده‌اند و کتبی که مصادیق عینی امنیت ملی در آن‌ها مدنظر می‌باشد. که هر یک از این دو گروه مشتمل بر طیف وسیعی آراء است. میرحیدر، دره، (۱۳۸۰) در کتاب تحت عنوان "مبانی جغرافیای سیاسی" نوشته که ژئوپلیتیک بر امنیت ملی بر مبنای رویکرد ژئواکانومیک به روابط و سیاست بین‌المللی می‌توان ادعا کرد. اصغر، افتخاری، (۱۳۹۶) فصلنامه راهبردی، در مقاله پژوهشی تحت عنوان "حوزه‌های تخصصی علوم سیاسی" نگاشته است، جغرافیه دانان هر کشور با نگاه امنیت محور، به پراگندگی انسانی، وابستگی به دولت‌های خارجی، علایق سیاسی، اقتصادی و جمعیتی متفاوت به مطالعه می‌پردازند و در تلاش جهت ایجاد یکپارچگی ملی می‌باشند، منظور از نماد نگاری ملی توجه به کلیه نمادها و آرمان مشترک میان مردم یک کشور است که به آنها وحدت می‌بخشد در برابر قدرت جهانی‌سازی (ژئوپلیتیک سرمایه) که از قرن شانزدهم میلادی شروع شد، دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا از هویت ملی شان که علت وجودی آن‌ها به شما می‌رود پاسداری کنند. بنأ، رفع تمام نگرانی‌های که وجود و بقای یک کشور را تهدید نماید. در مقوله امنیت قابل تعریف می‌باشد. شرایط فعلی جهان متحول ما نیاز به بررسی و نگاه دوباره و متفاوت از گذشته به مفاهیم امنیت و جغرافیایی سیاسی دارد. پیدایش مطالعات امنیتی ارتباط مستقیمی با شکل‌گیری دولت-ملت پس از صلح وستفالی (۱۶۴۸) اشاره دارد؛ چون که از همین زمان به بعد،

ما شاهد به وجود آمدن دولت به شکل امروزی آن هستیم. با توجه به نکات بیان شده دولت حاصل اندیشه دوران مدرنیته است. و از دهه ۶۰ به بعد، جغرافیه‌دانان فرانسوی ( نظیر دولابالاش و برونز ) مفاهیم امکان‌گرایی و احتمال‌گرایی را در جغرافیای انسانی مطرح کردند از آن پس بود که در مطالعات جغرافیایی انسان جایگاه محوری پیدا کرد. هدف ما در این مقاله، بررسی مفهوم امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی است. به همین منظور دو دیدگاه کارکردگرایی هارتشورن و نمادگرایی جان گاتمن را که ناظر بر یکپارچگی و چندپارچگی مجموعه دولت از منظر امنیت ملی است مطرح می‌کنیم. چون جغرافیای سیاسی، علمی است که به مطالعه روابط جغرافیا با سیاست و تبیین پدیده‌های ناشی از تأثیر این دو بر یکدیگر می‌پردازد. پیدایش جغرافیای سیاسی به‌عنوان رشته‌یی مستقل به قرن نوزدهم، یعنی زمانی که راتزل با انتشار کتاب جغرافیای سیاسی، توجه به رابطه‌ی دو جانبه فضا و سیاست را مطرح کرد، باز می‌گردد در جغرافیای سیاسی بیشتر نظریه‌ها معطوف به بررسی عوامل مؤثر در پیدایش و فروپاشی دولت‌ها با توجه به‌گونه‌گونی فضایی و محیط‌های امنیتی آنان است. در جغرافیای سیاسی، دولت عبارت از فضای سیاسی سازمان یافته‌یی است که حکومتی آن را اداره می‌کند. این فضا متشکل از سه عنصر سرزمین، جمعیت و حکومت است.

بر رهیافت جغرافیای سیاسی به دولت، نخست جبرگرایی داروینیستی حاکم بود، (۱۸۸۰-۱۹۶۰) اما دو دهه‌ی آخر انتقادات جدی به آن وارد شد. زیرا، دیدگاه فوق، جایگاه محکمی برای نقش انسان در محیط قایل نبود و جبر محیط را غالب می‌دانست. برای مثال، علت گرایش ژاپنی‌ها به دریا را کوهستانی بودن و غیرقابل کشاورزی بودن زمین‌های ژاپن می‌دانست. حال سوال و مسأله مهم و اساسی ما این است که امنیت ملی کشورها از منظر جغرافیایی سیاسی چگونه تأمین می‌گردد و راه‌های رسیدن به ثبات و مصوونیت کدام‌ها اند؟

### دو رویکرد به امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی

#### الف. رویکرد کارکردگرایی ( هارتشورن )

هدف اساسی هر دولت، یکپارچه کردن بخش‌های مختلف سرزمین و افراد آن، تحت نظام سازمان‌دهی شده‌ی واحد، حفظ قانون و نظم می‌باشد. معمولاً دولت‌ها با بسیاری از مسایل اجتماعی و فضایی مثل ساختار طبقات و مذهب در مناطق مختلف، در جهت تحکیم وحدت ملی، با تساهل برخورد می‌کنند. درجهانی‌که دولت‌ها در معرض تهاجم به یکدیگر قرار دارند، حکومت‌ها تلاش می‌کنند در درجه اول وفاداری ملی را نهادینه نمایند. به‌ویژه که تقریباً همه دولت‌ها از جهت جمعیتی

و سرزمینی در معرض دگرگونی هستند. عملکرد دولت‌ها در مواجهه با این مسئله متأثر از پراگندگی‌های داخلی و ایدئولوژی سیاسی حاکم است. جغرافیه دانان هر کشور با نگاه امنیت محور، به پراگندگی انسانی - وابستگی به دولت‌های خارجی، علایق سیاسی، اقتصادی و جمعیت به مطالعه می‌پردازند و در تلاش جهت ایجاد یکپارچگی ملی می‌باشند. در جغرافیای سیاسی توجه به ظرفیت‌هایی که دولت را، به رغم همه تنوعات آن، منسجم و یکپارچه نگاه می‌دارد، مورد تأکید است. منسجم‌ترین دولت‌ها، آن‌هایی هستند که دارای علت وجودی یا « اندیشه سیاسی » باشند. این عامل می‌تواند نیرویی متحدکننده بوده و سبب یکپارچگی ملی شود. هارتشورن، وظیفه اصلی جغرافیه‌دانان سیاسی را مطالعه ساختاری و کارکردی دولت می‌داند. به نظر وی، دولت با غلبه بر نیروهای مرکز گریز (نیروهایی که تمایل به فروپاشی دولت دارند) و وحدت بخشیدن به نیروهای مرکزگرا، می‌تواند خود را یکپارچه کند. نیروهای مرکز گریز معمولاً دارای شناسه جغرافیایی و سرزمینی هستند و وزن آن‌ها متفاوت است. از اینرو، تنوع اشکال متفاوتی می‌یابد که فراگیرترین آن‌ها، تضادهای سرزمینی، تفاوت‌های زبانی، قومی و مذهبی است. البته تنوع، همواره زمینه‌ساز فروپاشی دولت نیست. از سوی دیگر، هارتشورن، مهم‌ترین نیروی مرکزگرا را « اندیشه - دولت » می‌داند که با ناسیونالیسم در ارتباط است.

### ۱. نیروهای گریز از مرکز

عوارض طبیعی و دشواری‌های ارتباطی که موجب « فاصله » می‌شوند عوامل گریز از مرکز هستند که قدرتمندی آن‌ها به وسعت، شکل و دیگر توانایی‌های دولت باز می‌گردد. دولت برای حفظ موجودیت خود نیازمند عناصری است که با نبود یا ضعف هر کدام از این ساختارهای آن در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. این ساختارها عبارتند از: جمعیت، سرزمین، حکومت، سازمان اقتصادی، شبکه ارتباطات، حاکمیت و شناسایی بین‌المللی. وجود مناطق غیر مسکونی یا مسکونی با جمعیت پراکنده، در ارتباطات سرزمینی کارکردی منفی دارند و موجب احساس جدایی می‌شوند. مشکل اصلی زمانی است که مناطق دور از مرکز، ارتباط نزدیک‌تری با دولت‌های آن سوی مرز داشته باشند. این مشکل در حد فاصل مرز کانادا و آمریکا مشهود است. (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۴۸).

### ۲. نیروی مرکزگرا

در بررسی تکامل مفهوم دولت، « اندیشه - دولت » نیروی مرکزگرای اصلی و دلیل وجودی دولت‌ها است. دولتی که دلیل وجودی خود را از دست نداده باشد، به یکباره در معرض فروپاشی قرار نمی‌گیرد. اما دولتی که دلیلی وجودی خود را در درگیری با نیروهای خارجی یا ناآرامی‌های داخلی

از دست داده باشد و گونه جدیدی را جایگزین آن نکرده باشد، فروپاشی اش حتمی است. به عبارت دیگر، بقای دولت‌ها منوط به وفاداری مردم مناطق مختلف است. شواهد نشان می‌دهد که ایده سیاسی دولت، معمولاً همه مناطق کشور را به یکسان در بر نمی‌گیرد و دولت‌ها همیشه در همانندسازی ملی موفق نبوده اند. در شک گیری مفهوم ملت، عناصری چون نژاد، زبان، مذهب، وابستگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و تاریخی دخالت دارند. با این تعریف، کمتر کشوری است که مرز ملت و دولت آن کاملاً بر هم منطبق باشد (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۰۵).

### ب. رویکرد نماد نگاری ملی ( جان گاتمن)

منظور از « نماد نگاری ملی » توجه به کلیه نمادها و آرمان‌های مشترک میان مردم یک کشور است که به آن‌ها وحدت می‌بخشد. این نمادها و آرمان‌های مشترک گاهی پدیده‌های فرهنگی مورد اعتماد مردم است که پیدایش ملت مؤثر بوده اند. برای مثال یگانه علت وجودی پاکستان در (۵۰) سال اخیر، « مسلمان بودن » است. و تا زمانی که تهدید هندوستان غیرمسلمان را احساس کند، این علت وجودی تک پایه خود ماند. در سال‌های اخیر، پاکستان در همکاری با ایران، در زمینه انتقال انرژی به جنوب شرق آسیا، در پی یافتن عاملی دیگر برای علت وجودی خود بر آمده است. بیشتر کشورها تلاش می‌کنند تا علت وجودی خود را عامل چندگانه قرار دهند.

گاتمن عوامل تضعیف ناسیونالیسم ملی را « نظام گردشی » می‌داند. نیروهای گریز از مرکز، مانند تفاوت‌های قومی و مذهبی، موجب پراگندگی ملت‌ها و در نتیجه فروپاشی دولت‌ها می‌شود. برای مثال، علت فروپاشی برخی کشورها مثل شوروی و یوگسلاوی و چکسواکی در سال‌های اخیر را باید متأثر از تکیه آن‌ها بر عامل سوسیالیسم به عنوان ایده فراگیر ( تنها علت وجودی) دانست.

هارتسورن همانند گاتمن، نیروهای گراینده به مرکز را علت وجودی کشورها دانسته. در عین حال، وی این نیروها را مشخصات مادی موجودیت سرزمینی می‌داند، در حالی که گاتمن، علت وجودی کشورها را نمادنگاری و معنویت دانست. در واقع اکثر جغرافیه دانان معتقدند که عوامل مادی به همان اندازه عوامل معنوی اهمیت دارند، هرچند که درجات این اهمیت متفاوت است (درایسدل، ۱۳۷۳: ص ۲۳۹).

### هویت ملی، دولت ملی

هویت به معنای متمایز بودن، ثابت و پایدار بودن و به جمع تعلق موجب می‌شود که انسان‌ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش لازم برای زندگی را به دست آورند. هر دولت هویتی ( فضایی ) دارد که آن را از سایر واحدهای سیاسی ( دولت ) جدا می‌کند.

البته، دنباله سرزمینی برخی از این شناسه‌ها ممکن است در دولت‌های پیرامونی نیز باشد. برای مثال، هر که شیعه مذهب، فارس زبان و یا دارای یکی از گویش‌های ایرانی باشد لزوماً ایرانی نیست. در برابر قدرت جهانی سازی (ژئوپولوتیک سرمایه) که از قرن شانزدهم میلادی شروع شد، دولت‌ها تلاش کرده اند تا از هویت ملی شان که علت وجودی آن‌ها به شمار می‌رود، پاسداری کنند. در توسعه سیاسی، همواره بین دل‌بستگی به تعلقات ناحیه‌یی و ملی از یک سو و نیاز به پذیرش احساسات جهانی‌تر از سوی دیگر، نوعی کشمکش وجود دارد، که در صورت سهمین نشدن جمعیت‌های حاشیه‌ای (اقلیت‌ها) در نظام حکومتی و یا عدم پیوند با نظام سیاسی، این کشمکش‌ها ادامه خواهد یافت. در اروپا، پس از انقلاب صنعتی و تحولات اقتصادی-اجتماعی که در قرن (۱۸-۱۹) روی داد، انقلاب‌های لیبرالی با ایجاد « نهضت قانون اساسی » تلاش خود را در جهت محدود کردن حاکمیت دولت‌ها به کار گرفتند (هاشم گلیاگانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

### جهانی شدن

با پایان قرن بیستم، جهان شاهد مسایلی شد که دولت‌ها به تنهایی قادر به حل آن‌ها نیستند و ناچار اند تا برای رفع آن‌ها بخشی از حاکمیت سرزمینی خود را واگذار کنند و به سوی نوعی تشریک مساعی جهانی کشیده شوند. نمونه این مسایل، مشکلات زیست محیطی، باندهای مافیایی، قاچاق مواد مخدر، زنان و کودکان است.

آن‌چه به کاهش اقتدار دولت‌ها دامن می‌زند را سه عنصر می‌توان خلاصه کرد:

۱. فرسایش نظام‌های کنترل سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی؛
۲. پیروزی خردگرایی و ضعف نهادهای جمعی؛
۳. فعال و عمیق شدن شکاف‌های اجتماعی حول محور فرهنگ، قوم و زبان (توحیدفام، ۱۳۸۰: ۵۸).

در نتیجه این تحولات، بحران هویتی تازه ای دامن گیر بسیاری از جوامع شد که می‌توان آن را مرحله‌ای از رشد سیاسی دانست. فرایند جهانی شدن از یک سو، ثبات یکپارچگی کنونی را برهم زده و از سوی دیگر، در برگیرنده ارتباط فزاینده جهانی انسان‌ها در زمینه فراگیرتر شدن فرهنگ‌ها و هویت‌ها شده است. (تاجیک، ۱۳۸۰: ۸۵). چندگانگی فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی، از چالش‌های جدی در برابر فرایند جهانی شدن است. به‌گونه‌یی که حتی کشورهایی که جهانی شدن سهمین هستند- مثل انگلیس- حفظ هویت خویش را در برابر سیطره فرهنگی امریکایی‌ها مطالبه می‌کنند. در این دوره، رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات فضای مجازی و سایبرنتیک، که دایره

اثرگذاری جهانی دارند، در تحول و جهت گیری جغرافیای سیاسی به سوی ژئوپلیتیک و فضای مجازی سیاسی مؤثر واقع شده است.

امروزه (ژئوپلیتیک) به بررسی همه انگاره‌ها و درک جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌های جهانی مؤثر بوده اند، اطلاق می‌شود با کاهش اهمیت عناصر محیطی، و اهمیت یافتن فناوری اطلاعات به دلیل فراهم آوردن ارزش‌ها و قدرت غیرمادی، مفهوم ژئوپلیتیک نیز دستخوش تغییر یا به نوعی تکامل شده است. از پیامدهای جهانی شدن، نسبی شدن انواع هویت‌ها و به چالش گرفته شدن بعد سرزمینی دولت-ملت و وحدت فرهنگی و گرایش به تنوع فرهنگی می‌باشد. هم‌چنین، انقلاب الکترونیکی، تقسیم کار جهانی، فرا ملی شدن تولید و حساسیت مسایل زیست محیطی، مرزها را نفوذ پذیر، هویت‌ها را شناور و قلمرو صلاحیت‌های دولت‌ها را مبهم ساخته است که در نتیجه آن از وفاداری شهروندان به دولت‌ها کاسته می‌شود. امروزه فناوری اطلاعات، از یک سو عامل تولید و رقابت و رشد اقتصادی در بازارهای جهانی و از سوی دیگر، مهم‌ترین ابزار تهدید مرزهای سیاسی، به حاشیه رانی دولت-ملت و فرسایش حاکمیت ملی است. از نظر مهم‌ترین نظریه پردازان جغرافیای سیاسی هم‌چون سیمون دالبی و اتوتایل، این عوامل چالشی علیه موقعیت دولت‌ها به شمار می‌روند و از آن‌ها به عنوان «ضد ژئوپلیتیک» یاد می‌شود (تقی زاده پیشین، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

### تحول در مفهوم فضا

در مطالعات جغرافیایی، فضا موجودیتی مادی دارد که عوامل طبیعی و انسانی درون مایه‌های آن هستند و با زندگی، تاریخ، احساسات و روابط اجتماعی مردم پیوند خورده است. و در این فضا روابط متقابلی میان شرایط مکانی، هویت و زندگی مادی شکل می‌گیرد. آنچه کمتر مورد توجه جغرافیه دانان سیاسی بوده، مباحث مربوط به «فضای مجازی» است که در حال حاضر توانسته حتی کشورهایی را که به دلیل موقعیت جغرافیایی از تهاجمات فیزیکی دور بوده اند در نورد. در فضای مجازی، مرز کشورها اهمیت چندانی ندارد و اطلاعات، بدون واهمه از مرز بندی‌های سیاسی، اخلاقی و اجتماعی، به راحتی مبادله می‌شود (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۰۵).

### کنشگران ژئوپلیتیک در عصر جهانی شدن

در فضای سنتی ژئوپلیتیک، کنشگران عمدتاً عبارت بودند از دولت-ملت، سازمان‌های غیر حکومتی، سازمان‌های بین‌الدولی و افراد. اما امروزه با توجه گسترش ارتباطات جهانی، بازیگران نوینی در شکل دادن به سیاست‌ها فعالیت می‌کنند مثلاً سازمان القاعده که در ۵۰-۶۰ کشور جهان عضو دارد و تارهای برهم تنیده‌ای از ارتباطات سیاسی، مالی و انسانی را فراهم آورده است. بازیگری نوین



به‌شمار می‌آید. به‌همین دلیل امروزه نقش دولت-ملت تغییر یافته و نیازمند تعریف دوباره است. به تبع آن، در سیاست‌گذاری‌های ملی نیز بدون توجه به چارچوب‌های منطقه‌ای و جهانی نمی‌توان برنامه‌ریزی درستی داشت (هاشم گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

امروزه «ژئوپلیتیک به‌بررسی همه‌انگاره‌ها و درک جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌های جهانی مؤثر بوده‌اند، اطلاق می‌شود. با این توصیف، ساختار کنونی جهان، در حال گذار به سمت جهانی‌شدن است. نظم جهانی نظمی است که تحت حاکمیت واحد جهانی سرمایه شکل می‌گیرد. درنظم جدید، دولت ملی (هرچند دولتی قدرتمند مثل آمریکا باشد) به‌تنهایی و بدون همکاری و هماهنگی با دیگر دولت‌ها قادر به اداره سیستم جهانی نیست. (Agnew P, ۲۳۸).

### تداوم حیات و اهمیت جغرافیایی دولت

با وجود فرایند جهانی‌شدن اقتصاد و پیدایش کنشگران نوین، به نظر می‌رسد که بُعد جغرافیایی دولت همچنان در تعاملات جهانی مهم است. رویداد یازدهم سپتامبر و خسارات سنگینی که بر پیکره اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت ایالات متحده وارد کرد بیانگر تداوم اهمیت فضای سرزمینی است، با این توضیح که جهانی‌شدن تنها به‌انحصار نقش عامل سرزمینی در تعریف و تبیین فضای اجتماعی و اقتصادی پایان داده است، وگرنه تأثیرات سرزمینی همچنان باقی است.

و بالاخره اضافه می‌کنیم که دیگر مانند گذشته، تمام منافع و خواست‌های گروه‌های مردمی در چارچوب احزاب و دولت ملی برآورده نمی‌شود. زیرا، توجه به سازمان‌های فراملی نیز افزایش یافته است. درعین حال، حادثه یازدهم سپتامبر، تقویت انسجام هویت وفاداری ملی نسبت به مفهوم سرزمینی دولت را حداقل در مواقع بحرانی به‌دنبال داشته است. بدین ترتیب، فرضیه کاهش اعتبار مفهوم جغرافیایی دولت در مقابل فرایند جهانی‌شدن می‌تواند مطرح شود. (بایراستکر، ۱۳۸۱: ۷۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم امنیت ملی پیشینه‌ی بی‌عمر پیدایش دولت دارد، اما چون نیاز انسان‌ها در طول زمان متحول شده است، مفاهیم امنیتی ابعاد دیگری یافته‌اند. حکومت‌ها همواره در تلاش بوده‌اند تا با یافتن وجوه اشتراک میان فرهنگ‌های نواحی مختلف سرزمین خود دولت و هویت ملی ستواری بسازند. جهانی‌شدن و تقویت نیروهای مرکز‌گریز، جهان‌گرا و بازیگران متعدد، موجب به‌چالش کشیده شدن مرزهای سیاسی و به‌چالش راندن دولت-ملت شده است. از اینرو عوامل اثرگذار در مقوله امنیت، جهانی شده‌اند. در طول قرن بیستم، اثرگذاری و اثرپذیری نمادنگاری‌های ملی

واحدهای سیاسی متناسب با سطح توسعه یافتگی و عقب ماندگی آنان شتاب بیشتری یافته است. فرایند جهانی شدن ناموزون است. به عبارت دیگر با نوعی «واهمگرایی» مواجهیم. زیرا از یک سو در اروپا، دولت‌ها در یکدیگر ادغام می‌شوند و از سوی دیگر در نواحی کمتر توسعه یافته، خرده دولت‌ها شکل می‌گیرند. امروزه با توجه به گسترش مفهوم امنیت، دیگر دولت‌ها تنها مسؤل تأمین آن نیستند و ناچارند بخشی از اقتدار خود را به نهادهای بین‌المللی و جهانی واگذار نمایند. از نظر جغرافیای سیاسی، آن دولت‌هایی فرو می‌باشند و امنیت سرزمینی خود را از دست می‌دهند که نتوانند متناسب با تحولات شتاب دار جهانی و شناوری هویت‌ها، نمادنگاری‌های ملی را باز تعریف کنند.

### منابع

- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۶). *حوزه‌های تخصصی علوم سیاسی*. تهران: فصلنامه اندیشه، شماره ششم، ص ۵۲
- بایستگر. (۱۳۸۱). *جهانی شدن و طرز تفکر بازیگران نهادی عمدی*. مترجم: حمید تقو، تهران: فصلنامه فرهنگ، دوره سوم، ص ۷۴
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۰). *امنیت ملی در آستانه فردا*، فصلنامه فرهنگ اندیشه، شماره سوم و چهارم، ص ۸۵
- تقی زاده، ابراهیم. (۱۳۸۲). *تمایزات جهانی بودن و جهانی شدن*. فصلنامه نامه فرهنگ، ص ۲۲۰
- توحیدفام، محمد. (۱۳۸۰). *طرح‌های تمدنی و دولت ملی در عصر جهانی شدن*، فصلنامه مطالعات ملی، ص ۵۸
- درايسدل، وبلیک. جرالده. اچ. (۱۳۷۳). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دره، میرحیدر. (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- شگویی، حسین. (۱۳۷۵). *اندیشه‌های نو در جغرافیا*، جلد اول، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- کاوپانی راد، مراد. (۱۳۹۴). *امنیت ملی و جغرافیای سیاسی*. تهران: فصلنامه فرهنگ، شماره هشتم، ص ۲۵.
- هاشم گلپایگانی، اکبر. (۱۳۸۱). *جامعه صنعتی و جامعه اطلاعاتی*. فصلنامه فرهنگ، ص ۴۴.
- Agnew, John, (2004) *Geopolitics*, London, Rutledge, p238.